



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطة

درس ۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

## مقدمه

در درس‌های گذشته لقطه و احکام مربوط به آن طرح، و سپس مستندات آن احکام مطرح گردید. از جمله این که لقطه تا مدت یک سال معرفی شده و سپس صدقه داده شده یا مورد تملک قرار گیرد (همراه با ضمانت آن مال). در این درس ادله دو حکم دیگر از احکام لقطه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

حکم اول اینکه در صورتی که فرد یابنده مال را به عنوان امانت پیش خود نگه دارد ضامن نخواهد بود و حکم دوم اینکه در صورتی که مال کمتر از درهم باشد نیاز به تعریف به مدت یکسال نخواهد داشت.

## متن درس

و اما بالنسبة الى الاحتفاظ باللقطة بلا ضمان فيمكن استفادة جوازه من صحيحة الحلبي المتقدمة، فان جعل اللقطة كسبيل اموال الملتقط يدل بوضوح على جواز الاحتفاظ بها من دون ضمان و اذا قلت : ان صحيحة علي بن جعفر الاخرى : «و سألته عن الرجل يصيب اللقطة دراهم او ثوبا او دابة كيف يصنع؟ قال : يعرفها سنة، فان لم يعرف صاحبها حفظها في عرض ماله حتى يجيء طالبها فيعطيه اياه، و ان مات اوصى بها، فان اصابها شيء فهو ضامن» قد دلت على الضمان. قلت: لابد من حملها على حالة التعدي او التفريط و الا كانت ساقطة عن الاعتبار لهجران مضمونها لدى الاصحاب.

٤. و اما ان اللقطة دون الدرهم الشرعى يجوز اخذها بلا حاجة الى تعريف فلم يعرف فيه خلاف بين الاصحاب. و يمكن الاستدلال عليه بأحد امرين:

أ- رواية الشيخ الصدوق: «قال الصادق (عليه السلام): ... و ان كانت اللقطة دون درهم فهي لك فلا تعرفها...»<sup>١</sup>

ب - مرسله محمد بن ابي حمزة عن بعض اصحابنا عن ابي عبدالله (عليه السلام): «سألته عن اللقطة قال : تعرف سنة قليلا كان أو كثيراً. قال: و ما كان دون الدرهم فلا يعرف»<sup>٢</sup> و كلتا الروايتين ضعيفة السند بالارسال الا ان يقال بكبرى الانجبار بفتوى المشهور او يقال - بالنسبة الى خصوص الرواية الاولى - بحجية جميع روايات كتاب من لا يحضره الفقيه او بحجية كل ما ارسله الشيخ الصدوق بلسان قال و عليه فان قلنا باحد هذه المباني او قلنا بتحقيق الاجماع التعبدى الكاشف عن رأى المعصوم (عليه السلام) فلا مشكلة و يلزم التفصيل بين ما دون الدرهم و غيره، اما اذا رفضنا كل ذلك فالمناسب عدم التفصيل و الحكم بلزوم التعريف فى كليهما.

١. وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٥١، الباب ٢ من أبواب اللقطة، الحديث ٩.

٢. وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٥٤، الباب ٤ من أبواب اللقطة، الحديث ١.

## توضیح

### جواز نگهداشتن لقطه به عنوان امانت و عدم ضمان در این صورت

در درس‌های قبل گذشت که یابنده لقطه بعد از یک سال تعریف بین سه امر مخیر است:

(الف) صدقه دادن لقطه به همراه ضمان آن.

(ب) مالک شدن لقطه به همراه ضمان آن.

(ج) نگهداشتن لقطه به عنوان امانت، همراه با عدم ضمان.

دلیل امر اول و دوم گذشت.

### استدلال بر جواز نگهداری لقطه بدون ضمان

برای جواز می‌توان به صحیحہ حلبی (که قبلاً ذکر شده بود)<sup>۱</sup> استدلال کرد:

#### توضیح استدلال

در صحیحہ حلبی، ذکر شده که لقطه بعد از یک سال مثل سایر اموال یابنده است؛<sup>۲</sup>

این حکم، نشانگر آن است که بعد از یک سال حفظ لقطه توسط یابنده جایز است بدون این که ضامن باشد.<sup>۳</sup>

#### اشکال به استدلال

صحیحہ حلبی که مورد استدلال واقع شده، از جهت ضمان معارض دارد.

معارض، عبارت است از صحیحہ علی بن جعفر از امام موسی کاظم (علیه السلام)، که بر وجوب ضمان دلالت دارد:

صحیحہ علی بن جعفر (علیه السلام): ... باید لقطه را تا یک سال تعریف کند، اگر صاحبش یافت نشد ر کنار اموالش آن را نگاه می‌دارد تا صاحبش بیاید و آن را به او بدهد... اگر به مال آسیبی وارد شد ضامن است.

### پیشنهاد مصنف برای رفع تعارض

مصنف برای رفع این تعارض دو راه پیشنهاد می‌کند:

راه اول اضافه کردن یک قید به روایت دوم؛ یعنی گفته شود اگر شخص در نگهداری لقطه تعدی و یا تفریط کرد ضامن آن است؛ به عنوان مثال اگر پولی پیدا کرد و آن را در جای مطمئنی نگهداری نکرد ضامن است یا اگر حیوانی پیدا کرد و به آن رسیدگی نکرد یا آن را از تعرض حیوان درنده حفظ نکرد ضامن است.

راه دوم رد حجیت صحیحہ علی بن جعفر به این بیان که یکی از شرایط حجیت روایت این است که مورد اعراض مشهور نباشد، مشهور می‌گویند: مادامی که امین افراط و تفریط نکند ضامن نیست. صحیحہ علی بن جعفر چون دلالت بر ضمان امین دارد مورد اعراض مشهور است و حجیت ندارد.

<sup>۱</sup>. رک: درس قبل، استدلال بر جواز تملیک لقطه همراه با ضمان.

<sup>۲</sup>. «... يعرفها سنة فإن جاء لها طالب و الا فهي كسبيل ماله».

<sup>۳</sup>. چون در روایت اشاره‌ای به ضمان نشده، بلکه مثل اموال خود انسان ذکر شده که ضمان ندارد.

## تطبيق

و اما بالنسبة الى الاحتفاظ باللقطة بلا ضمان فيمكن الاستفادة جوازه من صحيحة الحلبي المتقدمة، فان جعل القطة كسبيل اموال الملتقط يدل بوضوح على جواز الاحتفاظ بها من دون ضمان.

از عبارت پیش گفته (فهی کسبیل مالک) در صحیحہ حلبی می توان دریافت که باقی ماندن مال به عنوان امانت و حفظ آن بدون ضمان بودن جایز است؛ زیرا قرار دادن لقطه مانند اموال ملتقط به وضوح بر جواز نگهداری آن بدون ضمان دلالت دارد. (همان طور که اگر مال انسان از بین برود ضامن نیست، در اینجا هم ضمان نیست).<sup>۱</sup>

و اذا قلت: ان صحيحة علي بن جعفر الاخرى: «و سألته عن الرجل يصيب اللقطة درهم او ثوبا او دابة كيف يصنع؟ قال: يعرفها سنة، فان لم يعرف صاحبها حفظها في عرض ماله حتى يجيء طالبها فيعطيه اياه، و ان مات اوصى بها، فان اصابها شيء فهو ضامن»<sup>۲</sup> قد دلت على الضمان.

اگر اشکال کنید که صحیحہ علی بن جعفر در تعارض با صحیحہ حلبی بر ضامن بودن یا بنده دلالت دارد یعنی اگر یا بنده، مال را به عنوان امانت نگه دارد ضامن است؛ زیرا در آن چنین آمده است: «از برادرم درباره مردی پرسیدم که لقطه‌ای را پیدا می‌کند که پول یا لباس و یا دابه است، با آن چه کند؟ امام فرمود: تا یک سال آن را معرفی کند، اگر صاحبش را نشناخت آن را در کنار مالش نگهداری کرد تا جوینده آن بیاید و آن را به او تحویل بدهد، و در هنگام مرگش به آن لقطه وصیت کند، و اگر عیب و نقصی به آن وارد شد او ضامن است.»

قلت: لابد من حملها على حالة التعدى او التفريط و الا كانت ساقطة عن الاعتبار لهجران مضمونها لدى الاصحاب. در پاسخ می‌گوییم: باید روایت را بر حالت افراط یا تفريط در حفظ لقطه حمل کرد و الا از درجۀ اعتبار ساقط است، زیرا اصحاب از فتوا دادن به مضمون آن اعراض کرده اند و اعراض اصحاب سبب سقوط روایت از حجیت می‌شود.

۱. استدلال: از عبارت «فهی کسبیل ماله» در صحیحہ حلبی می توان استفاده کرد که باقی ماندن مال به عنوان امانت در دست یابنده و حفظ آن بدون ضامن بودن جائز است.

۲. اشکال: صحیحہ علی بن جعفر دال بر ضمانت لقطه است در صورتی که لقطه در دست ملتقط به عنوان امانت نگهداری شود.

۳. پاسخ: باید روایت را بر حالت افراط یا تفريط در حفظ لقطه حمل کرد و الا از درجۀ اعتبار ساقط است.

حفظ لقطه به عنوان امانت

Sco1: ۱۶:۱۴

<sup>۱</sup> . عدم ضمان در مالی که نزد انسان به امانت است مشروط به این است که افراط و تفريطی در نگاه داشتن آن نداشته باشد.

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۵۲، الباب ۲ من أبواب اللقطة، الحديث ۱۳.

## حکم لقطه کمتر از یک درهم

مطلب دیگری که مصنف بر آن استدلال می‌کند این است که اگر لقطه کمتر از یک درهم<sup>۱</sup> باشد احتیاج به تعریف ندارد.<sup>۲</sup> و می‌تواند آن را برای خود بردارد.<sup>۳</sup> این حکم مورد اتفاق همه فقها است و مخالفی در این مسئله وجود ندارد. برای این حکم به دو روایت می‌توان استناد کرد:

**روایت اول:** مرسله شیخ صدوق (ره) از امام صادق (علیه السلام) که آن حضرت فرمودند: اگر لقطه کمتر از یک درهم باشد، مال تو است و احتیاج به تعریف ندارد.

**روایت دوم:** مرسله محمد بن ابی حمزه از بعضی از اصحاب که طبق آن امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: لقطه کمتر از یک درهم احتیاج به تعریف ندارد.

همان طور که ذکر شد هر دو روایت مرسل هستند و برای اینکه استناد به آن دو مرسله تصحیح شود باید یکی از این دو راه برگزیده شود:

الف) گرچه این دو روایت مرسل هستند اما مشهور طبق مضمون این دو فتوا داده اند و عمل مشهور جبران کننده ضعف سند است.<sup>۴</sup>

ب) راه دوم برای رفع اشکال مرسله بودن روایت، قائل شدن به صحت مراسلات شیخ صدوق است؛ مراسلات صدوق را طبق یکی از مبانی زیر می‌توان تصحیح کرد:

اول: روایات موجود در کتاب صدوق صحیح هستند؛ زیرا در مقدمه کتاب، شهادت بر صحت روایات کتابش داده است. پس مراسلات صدوق نیز صحیح خواهند بود.

۱. یعنی نیم مثقال نقره.

۲. بیشتر بدانید: ماده ۱۶۲ قانون مدنی: «هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم (معادل قیمت ۱۲/۶ نخود نقره) باشد، می‌تواند آن را تملک کند.»

۳. بنابراین اگر شخصی مالی پیدا کرد که قیمت آن کمتر از یک درهم، یعنی نیم مثقال نقره باشد احتیاج به تعریف ندارد.

۴. بیشتر بدانید: مرحوم آیت الله خویی این نکته را رد می‌کند و عقیده دارد چنین روایتی فی نفسه ضعیف است و حجیت ندارد، اگر هم مجتهدی به آن روایت عمل کرده باشد عمل او برای مجتهد دیگر حجت نیست؛ پس عمل اصحاب باعث حجیت روایت نمی‌شود. اشکال آیت الله خویی اینگونه رد می‌شود که در حجیت روایات حصول اطمینان مطرح است، درست است که این روایت فی نفسه حجت نیست، اما احتمال اینکه این روایت از امام (علیه السلام) صادر شده باشد زیاد است؛ زیرا فقیهان با تقوایی که مربوط به عصر ائمه (علیه السلام) هستند به این روایت عمل کرده اند، خصوصاً اصحاب و قدمایی که نزدیک به عصر آنان بوده‌اند و مذاق اهل بیت (علیه السلام) را می‌دانسته‌اند؛ بنابراین وقتی چند فقیه به روایتی عمل کنند تراکم ظنون پدید آمده و ظن قوی به صدور روایت از معصوم (علیه السلام) حاصل شده و به حد اطمینان می‌رسد. منظور از مشهور، مشهور متقدمین است؛ اگر روایتی از نظر سند دارای مشکل بود، ولی متقدمین به این روایت بدیده احترام و قبول نگاه کرده‌اند و به آن عمل کرده و بر طبق آن فتوی داده‌اند معلوم می‌شود که قرائن و شواهدی در دست آنها بوده است که دلالت بر صدور این روایت از امام (علیه السلام) می‌کرده است؛ بنابراین اطمینان حاصل می‌شود که این روایت از معصوم (علیه السلام) صادر شده است. اگر روایت از معصوم (علیه السلام) صادر نشده بود، اصحاب با فضیلت و تقوی و صاحب دقت و وسواس به آن استناد نمی‌کردند؛ پس عمل مشهور جابر ضعف سند است.

دوم: مرسلاتی که به لفظ «قال» وارد شده صحیح اند، زیرا نشان دهنده جزم صدوق به صدور روایت از امام (علیه السلام) است. روایت مورد بحث ما به لفظ قال ذکر شده، پس صحیح و حجت است.<sup>۱</sup>

### حکم مسأله

اگر روایت های مسأله را تصحیح کنیم، با این که در مسأله، اجماع تعبیدی (اجماعی که کاشف از قول معصوم است) را حاصل و محقق بدانیم، اشکالی در مسأله نخواهد بود، و باید در حکم وجوب تعریف، بین کمتر از درهم و بیش از آن تفصیل بدهیم.

اما اگر هیچ کدام از مبانی تصحیح مرسله و یا اجماع در مسأله را نپذیریم، حکم مناسب این خواهد بود که بین کمتر از درهم و بیشتر از آن، تفصیلی نیست و هر دو باید تا یک سال تعریف شوند.

### تطبیق

۴. و اما ان اللقطة دون الدرهم الشرعی يجوز اخذها بلا حاجة الى تعريف فلم يعرف فيه خلاف بين الاصحاب. و يمكن الاستدلال عليه بأحد امرين:

لقطه ای را که قیمتش کمتر از یک درهم شرعی باشد می توان بدون تعریف برداشت. علاوه بر این که بین اصحاب کسی با این حکم مخالفت نکرده است، ممکن است با یکی از دو امر زیر بر آن استدلال کرد:

أ- رواية الشيخ الصدوق: «قال الصادق (عليه السلام): ... و ان كانت اللقطة دون درهم فهي لك فلا تعرفها...»<sup>۲</sup>.

الف) روایت شیخ صدوق: «امام صادق (علیه السلام) فرمود:... اگر لقطه کمتر از یک درهم بود، پس برای تو می باشد؛ آن را تعریف مکن.

ب - مرسله محمد بن ابی حمزه عن بعض اصحابنا عن ابی عبدالله (علیه السلام): «سألته عن اللقطة قال : تعرف سنة قليلا كان أو كثيراً. قال: و ما كان دون الدرهم فلا يعرف»<sup>۳</sup>.

ب) مرسله محمد بن ابی حمزه از بعضی از اصحاب که از امام صادق (علیه السلام) درباره لقطه پرسید، امام فرمود: «کم باشد یا زیاد تا یک سال تعریف می شود و اگر کمتر از یک درهم است نیازی به تعریف نیست».

و کلتا الروایتین ضعیفة السند بالارسال الا ان يقال بكبرى الانجبار بفتوى المشهور او يقال - بالنسبة الى خصوص الرواية الاولى - بحجة جميع روايات كتاب من لا يحضره الفقيه او بحجة كل ما ارسله الشيخ الصدوق بلسان قال.

۱. درباره مراسیل صدوق، سه نظر وجود دارد:

الف) عدم حجیت مراسیل صدوق. زیرا روایت مرسله (فاقد سند) حجت نبوده و اعتبار ندارد.

ب) حجیت مراسیل صدوق مطلقاً. زیرا خود صدوق (ره) در مقدمه کتابش، بر صحت روایاتش شهادت داده است.

ج) تفصیل. در صورتی که ارسال به نحو جزمی (مثلاً به لفظ «قال الصادق (علیه السلام)» باشد حجت است.

اما اگر ارسال به نحو غیر جزمی (مثلاً روی عن الصادق (علیه السلام)) باشد، حجت نیست. زیرا تعبیر «قال» نشان دهنده جزم صدوق به صدور روایت از امام (علیه السلام) می باشد. و الا چنین تعبیری نمی کرد و مثلاً «رؤی» می گفت.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۵۱، الباب ۲ من أبواب اللقطة، الحديث ۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۵۴، الباب ۴ من أبواب اللقطة، الحديث ۱.

هر دو روایت به سبب مرسل بودن ضعیف هستند، مگر آن که به این کبرای کلی معتقد باشیم که عمل اصحاب به روایتی و فتوای آنها بر طبق مضمون آن، ضعف سندش را جبران می کند، یا نسبت به روایت اول معتقد باشیم هر روایتی که در کتاب من لایحضره الفقیه آمده حجت است، یا به حجیت روایات مرسلی که صدوق به صورت جزمی و به نحو «قال» از معصوم نقل کرده باشد قائل باشیم.

و علیه فان قلنا باحد هذه المبانی او قلنا بتحقیق الاجماع التعبدی الکاشف عن رأی المعصوم (علیه السلام) فلا مشکلة و یلزم التفصیل بین ما دون الدرهم و غیره، اما اذا رفضنا کل ذلك فالمناسب عدم التفصیل و الحکم بلزوم التعریف فی کلیهما.

بنابراین اگر هر کدام از مبانی فوق را نسبت به روایت مرسل ب پذیریم یا تحقق اجماع تعبدی و کاشف از قول معصوم را در مسأله بپذیریم. لازمه اش، فتوای به تفصیل بین کمتر از درهم و بیش تر از آن خواهد بود و الا در صورت نپذیرفتن هیچ یک از امور پیش گفته، فتوای مناسب عبارت است از عدم تفصیل و حکم به لزوم تعریف هر نقطه ای تا یک سال.

حکم ← برداشتن آن بدون نیاز به تعریف جایز است.

۱. روایت صدوق از امام صادق (علیه السلام) که فرمود:.... اگر نقطه کمتر از یک درهم باشد برای توسع؛ آن را تعریف مکن.

۲. مرسله محمد بن ابی حمزه از بعضی از اصحاب از امام صادق (علیه السلام) که: اگر نقطه کمتر از یک درهم باشد نیازی به تعریف نیست.

۳. اجماع

استدلال ←

نقطه کمتر از درهم

۱. عمل اصحاب جابر ضعف سند است.

۲. هر روایتی در کتاب من لا یحضره الفقیه آمده حجت است (مربوط به مرسله صدوق).

۳. حجیت روایات مرسل صدوق را که به صورت جزمی و به نحو قال از معصوم نقل کرده بپذیریم.

هر دو روایت مرسل و ضعیف است، مگر اینکه در مورد آنها به یکی از موارد قائل گردیم:

اشکال ←

در مورد اجماع باید اجماع را تعبدی و کاشف از رأی معصوم بدانیم.



## چکیده

۱. از عبارت «فهی کسبیل مالک» در صحیحہ حلبی می‌توان دریافت که باقی ماندن مال به عنوان امانت و نگهداری آن بدون ضامن بودن جائز است.
۲. در قبال صحیحہ حلبی، صحیحہ‌ای از علی بن جعفر وجود دارد که دلالت بر وجوب ضمان در فرض فوق می‌کند و از این حیث بین آنها تعارض وجود دارد.
۳. برای رفع مشکل تعارض، باید بگوییم که صحیحہ علی بن جعفر مربوط به حالتی است که یابنده لقطه نسبت به آن تعدی، یا در حفظ آن کوتاهی کرده است. و اگر این حمل پذیرفته نشود، این صحیحہ از اعتبار ساقط است چون اصحاب به مضمونش عمل نکرده‌اند.
۴. لقطه‌ای را که قیمتش کمتر از یک درهم شرعی باشد می‌توان بدون تعریف برداشت. در این حکم هیچ مخالفتی از اصحاب دیده نشده است.
۵. برای حکم لقطه کمتر از یک درهم می‌توان به یکی از دو امر زیر استدلال نمود:  
(الف) مرسله شیخ صدوق که طبق آن امام صادق (علیه السلام) فرمود:.... اگر لقطه کمتر از یک درهم بود، برای تو می‌باشد، آن را تعریف مکن.  
(ب) مرسله محمد بن ابی حمزه از امام صادق (علیه السلام)، که آن حضرت درباره لقطه فرمودند: «... اگر کمتر از یک درهم است نیازی به تعریف نیست.»
۶. هر دو روایت فوق به سبب مرسل بودن ضعیف بوده و صلاحیت استدلال ندارند، مگر اینکه به یکی از امور زیر قائل شویم:  
(الف) فاصله عمل اصحاب به یک روایت و فتوای آنها بر طبق مضمون آن، جابر ضعف سند است.  
(ب) معتقد باشیم هر روایتی که در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده حجت است.  
(ج) قائل به حجّیت روایات مرسلی باشیم که صدوق به صورت جزمی و به نحو «قال» از معصوم نقل کرده است.
۷. اگر اجماعی را که در مسئله وجود دارد اجماعی تبعیدی و کاشف از رأی معصوم بدانیم باید بین کمتر از درهم و بیشتر از آن تفصیل بدهیم.
۸. اگر هیچ کدام از ادله تفصیل را معتبر ندانستیم، آنچه مناسب است فتوا به عدم تفصیل و حکم به لزوم تعریف هر لقطه‌ای تا یک سال است.